

تبیین روش شناسی ائمه علیهم السلام در مواجهه با تفکر غلو

عابدین درویش پور^۱

مهرداد امیری^۲

چکیده

افراط و مبالغه در معرفی امامان معصوم علیهم السلام از جمله چالش‌های پیش روی تشیع در طول تاریخ اسلام بوده است. فهم نادرست از دین، ارادت بی‌تعقل، جهل و استفاده ابزاری از بیان کرامات معصومان علیهم السلام از جمله عوامل ایجاد نحله‌ای به نام غالیان بوده است. آن‌ها در کنار غلو در باره ائمه علیهم السلام، بخشی از احکام شریعت را انکار نموده و با تفسیرهای انحرافی درباره مفاهیم دینی، خود را از عمل به آن‌ها معاف نموده و زمینه انحراف و بدعت در اعتقادات دینی را فراهم آوردند. با مطالعه سیره معصومین؟ عه‌م؟ به روشنی می‌توان دریافت که آنان در گفتار و رفتارشان، غلو را مذموم دانسته‌اند و با به‌کارگیری روش‌هایی چون تبیین شاخصه‌های دین‌داری صحیح، معرفی ماهیت واقعی غلات، اظهار برائت، نفرین، تکفیر و حتی دستور به مبارزه با آن‌ها راه نفوذ آنان را در میان تشیع واقعی بسته‌اند.

مقاله حاضر به دنبال آن است با نگاهی تحلیلی-توصیفی، از یک سو مبانی و عقاید غالیان و از سوی دیگر روش امامان معصوم علیهم السلام در مقابله با آن‌ها را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. **واژه‌های کلیدی:** امام، شیعه، روش‌شناسی، غالیان، انحراف.

۱. استادیار فلسفه و کلام، دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فلسفه و کلام اسلامی، خرم‌آباد، ایران.
Email: darvishpour.a@lu.ac.ir

۲. استادیار فلسفه، دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فلسفه و کلام اسلامی، خرم‌آباد، ایران.
Email: amiri.m@lu.ac.ir

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۵

دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

۱. مقدمه

تبیین معارف دینی و مقابله با تحریف و انحرافات از اهداف مهم پیشوایان دین است. امامت به‌عنوان ادامه رسالت انبیاء تنها مرجع متقن معرفت شناخت ناب حقایق دین و شاخصی مستحکم برای تفسیر کتاب و سنت به‌شمار می‌رود، که مردم در هدایت به وجود آن محتاج و نیازمندند و به تعبیر امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الامام کالکعبه یؤتی و لا یأتی؛ امام همانند کعبه است که باید به نزدش بروند»، مردم چنان‌که وظیفه دارند به سراغ کعبه بروند وظیفه دارند به سراغ امام نیز بروند و معارف خویش را از او بگیرند (شیخ مفید، ۱۳۷۱ ش: ص ۶۷۲). مبانی مکتب تشیع که از سرچشمه کتاب و سنت نشأت گرفته، همواره با استدلال و منطق آمیخته است چه این‌که دشمنان و مخالفان آن - با هر شیوه‌ای - تاکنون نتوانسته‌اند به حقیقت زلال مکتب اهل بیت علیهم السلام خدشه وارد کنند.

از این‌رو با تراشیدن عقاید انحرافی و نسبت خرافات؛ به پدیده غلو و افراط‌گرایی روآورده تا با نسبت‌های ناروا به برپیکره تشیع ضربه زند؛ از این‌رو، تحقیق درباره‌ی غالیان و انگیزه آنان و آگاهی از روش ائمه معصوم علیهم السلام در مواجهه با غلات و تعدیل افراط‌گرایی آنان و هم‌چنین اعلام بی‌زاری از آن‌ها و متمایز کردن این فرقه، از مکتب ناب تشیع ضرورت بحث را روشن می‌سازد. از طرفی ظهور غلات در تاریخ تشیع یکی از پدیده‌های پرچالش و قابل توجه است که ریشه در انگیزه‌هایی هم‌چون اختناق حاکمان، ریاست‌طلبی افراد سودجو و ضعف نفس بعضی از دوست‌داران اهل بیت علیهم السلام دارد (اعلمی حائری، ۱۴۱۱ ق: ج ۱۴، ص ۳۷). آنان با افراط و غلو درباره جایگاه و منزلت ائمه علیهم السلام، اکثر احکام شریعت را انکار نموده و با تفسیرهای انحرافی از مفاهیم دینی، خود را از تکلیف و عمل به آن‌ها معاف می‌کردند. که این امر می‌توانست در تخریب چهره تشیع در میان مخالفان، نقش به‌سزایی داشته باشد (درگاهی، ۱۳۷۱ ش: ص ۱۳۲).

بنابراین ائمه اطهار علیهم السلام به‌عنوان متولیان حقیقی اسلام ناب همواره با انحرافات فکری و عقیدتی آنان به مقابله برمی‌خاستند. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی ضمن اشاره به انگیزه شکل‌گیری غالیان، به بیان روش‌شناسی ائمه علیهم السلام در مواجهه با تفکر غالیان و تعدیل افراط‌گرایی آنان پرداخته است.

۲. یافته‌ها و بحث

۲-۱. مفهوم‌شناسی غلو و غالیان در شیعه

غلو، در لغت به معنای زیاد روی و افراط در چیزی و از حدگذشتن و مبالغه است و در مورد انسان، به معنای زیاده‌روی در قدر منزلت شخص به‌کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۰، ص ۱۱۵).

در اصطلاح دینی به معنای افراط در دین و تجاوز از حد وحی به سمت هوا و هوس و سلیقه‌های مختلف رفتن است؛ مانند آن که پیامبران و امامان علیهم‌السلام را خدا دانستن؛ هم‌چنان که نصاری برای پیامبران و بزرگان خود مقام الوهیت قایل شدند (زبیدی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۱۹۸).

در حقیقت غلو در دین افراط در ستایش بیش از حد در زیبایی‌های ظاهری و معنوی فردی است و غلو در دین یکی از عواملی است که منجر به حاکمیت شیطان بر انسان و عذاب الهی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۷ش: ج ۶، ص ۷۶). معنای غلو در اغلب موارد به معنای نسبت الوهیت به امامان شیعه به‌کار می‌رود (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۸ش: ص ۱۵۶). متفکرین علم کلام برای منشا پیدایش غلو در تشیع علل بسیاری برشمرده‌اند (صفری فروشانی، ۱۳۸۷ش: ص ۵۱). اما به نظر می‌رسد این عوامل در سه علت عمده منحصر می‌گردد:

الف. عناد و دشمنی با تشیع: دشمنان شیعه به تکذیب و جعل احادیث غلوآمیز در مورد امامان علیهم‌السلام پرداخته‌اند تا به سبب آن ائمه معصوم علیهم‌السلام را از چشم جامعه مسلمین انداخته و آنان را منزوی کنند از این‌رو شیعیان را به کفر و غلو متهم می‌کردند (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ص ۳۹۵). شواهد تاریخی نیزگواه آن است که انتشار این اخبار غلوآمیز چنان به سرعت در میان همه اقشار و طبقات مردم اتفاق می‌افتاد که حتی تعجب و تحیر شیعیان و دوست‌داران اهل بیت علیهم‌السلام را برانگیخت به‌عنوان مثال مانند جعل خبر مبارزه بدنی حضرت علی علیه‌السلام با ابلیس و یا فرقه‌سازی به نام اصحاب بزرگوار امامان به نام زراریه، هشامیه، شیطانیه، جوالمقیه، مفضلیه، یونسیه (مغزالی شافعی، ۱۴۲۴ق: ص ۳۰۱).

افرادی از شاگردان ائمه علیهم‌السلام همانند هشام بن حکم، هشام بن سالم، زراره بن اعین مؤمن، الطاق و ... به جهت علمی و کلامی چنان قوی و سرآمد روزگار خود بودند که در گفت‌وگو و مناظره‌ها به راحتی بسیاری از مخالفان را منکوب می‌ساختند. از این‌رو معاندان و دشمنان چاره‌ای جز این نداشتند که با انتساب آنان به افراط‌گرایی و غلو؛ فرقه‌هایی به نام این افراد ساخته و آنان را به عقاید سخیفی هم‌چون تشبیه، تناسخ و حلول متهم کنند تا آن‌ها را از چشم‌ها انداخته و سخیف کنند (نوری، ۱۴۰۸ق: ص ۱۷۵).

ب. ترویج فرهنگ اباحه‌گری: عده‌ای به قصد گریز از تکالیف الهی درصدد راهی برای مباح کردن ترک واجبات و توجیه گناهان برآمده تا بستر عیش و خوش‌گذرانی دنیای زودگذر را برای خویش آماده سازند در این میان گروهی از مسلمان ناآگاه آنان را همراهی نمودند که بعدها به کمک همین گروه جاهل فرقه‌ای پدید آوردند، تا به هدف اباحه‌گری خود دست یابند (اشعری، ۱۳۸۹ش: ص ۵۲).

ج. افراط در محبت: گرچه محبت و دوستی اولیاء الاهی بخش مهم دین داری به شمار می‌آید اما صرف دوست داشتن بدون همراهی عمل، يك نگرش سطحی است لذا اگر محبت اهل بیت علیهم‌السلام تنها جنبه عاطفی آن مد نظر باشد منجر به گمراهی و انحطاط انسان می‌گردد. از این رو افرادی تحت تاثیر محبت غیر مسئولانه خود، به جعل احادیث و روایات پرداخته؛ تا عشق و محبت خویش را به پیامبرگرمی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جانشینان آن حضرت ابراز کنند. این گروه گرچه نیت سوء بی نداشته و از روی اخلاص و ارادت، فضیلتی برای امام علیه‌السلام جعل می‌کردند، اما ناخواسته در ترویج و اشاعه پدیده غلو و افراط‌گرایی سهم به‌سزایی داشته‌اند. امام سجاد علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «بعضی از شیعیان ما را به اندازه‌ای دوست خواهند داشت که درباره ما آن چه یهودیان درباره عزیز و مسیحیان درباره عیسی بن مریم گفته‌اند خواهند گفت؛ پس نه آنان از ما هستند و نه ما از آنان هستیم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۵، ص ۲۲۸). و نیز حضرت علی علیه‌السلام فرموده: «دو دسته در مورد من نابود می‌شوند و گناهی بر من نیست: دوست دارنده افراطی؛ و دیگری کینه‌توز تفریطی» (همان، ص ۲۷۹). بنابراین این عوامل که با ساحت توحید و بندگی انسان موحد و شیعه هم‌خوانی نداشته و ریشه در مولفه‌هایی هم‌چون؛ جهل و پیروی از هواهای نفسانی دارد لذا برخی تأثیرات و الهامات آنان را از یهود و نصاری می‌دانند (جعفریان، ۱۳۸۶ش: ص ۱۲۵).

۲-۲. اعتقادات غلات

قرائت افراطی از محبت و ارادت به ائمه معصوم علیهم‌السلام توسط غالیان شیعه، سبب ورود برخی از عقاید و باورهای ناصواب در دین و به تبع در مکتب تشیع گردید. باورهای نادرستی همانند الوهیت نبوت و ائمه دین علیهم‌السلام، عقیده به علم غیب مطلق امام، و تفویض، تناسخ و تشبیه از جمله آن‌ها است. حال برای آماده نمودن بستری مناسب جهت آگاهی از روش‌شناسی ائمه علیهم‌السلام در مواجهه با تفکر غلات، اشاره‌ای مختصر به افکار آنان لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۲-۱. **مقام الوهیت ائمه علیهم‌السلام**: اعتقاد به الوهیت ائمه علیهم‌السلام که ریشه در جعل روایات غلات دارد، شدیداً مورد انکار و تکذیب امامان علیهم‌السلام قرار گرفته و آنان با اظهار برائت از عاملان این تفکر به روشن‌گری این اندیشه باطل پرداخته‌اند. در روایتی امام صادق علیه‌السلام خطاب به صالح بن سهل می‌فرماید: «یا صالح! إنا والله عبیدٌ مخلوقون، لَنَا رَبٌّ نَعْبُدُهُ وَإِنْ لَمْ نَعْبُدْهُ عَذَبْنَا؛ ای صالح! به خدا سوگند که ما بنده و مخلوق خداییم. ما خداوندگاری داریم که عبادت می‌کنیم و هرگاه از عبادت وی سرباززنیم، مورد مؤاخذه و عذاب وی قرار خواهیم گرفت» (طوسی، ۱۴۰۴ق: ص ۲۱۸). هم‌چنین حضرت رضا علیه‌السلام خطاب به اسحاق بن عباس -که پای بند به باورهای غلوآمیز بود- چنین فرمود: «یا اسحاق! بَلِّغْنِي أَنْ نَكُم تَقُولُونَ: أَنْ النَّاسَ عَبِيدٌ لَنَا... وَأَمَا أَنَا وَمَا قُلْتُهُ قَطُّ وَلَا سَمِعْتُهُ مِنْ أَحَدٍ

مِنْ آبَائِي وَلَا بَلَّغْنِي عَنْ أَحَدٍ مِنْهُمْ قَالَهُ. لَكِنَّا نَقُولُ: النَّاسُ عَبِيدٌ لَنَا فِي الطَّاعَةِ، مُوَالٍ لَنَا فِي الدِّينِ، فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبِ؛ أَيِ اسْحَاقِ! بِهِ مِنْ خَبَرِ رَسِيدِهِ كَمَا مِي گویید: مردم بندگان ما هستند... این در حالی است که من، هرگز نه چنین سخنی را گفته‌ام و نه از یکی از پدرانم شنیده‌ام و از هیچ‌یک از آن‌ها چنین مطلبی به من نرسیده است. اما آن چه ما می‌گوییم آن است که مردم بندگان ما در اطاعت الهی و دوست‌داران واقعی ما ولایت‌پذیران ما در امر دین می‌باشند. پس باید که این سخن را حاضرین به گوش غایبین برسانند» (همان، ص ۲۷۸).

بنابراین مقابله ائمه علیهم‌السلام با این تفکر خرافی و کفرآمیز نقش تعیین مهمی در معرفی مکتب شیعه واقعی و تقویت ایمان و توحید مؤمنان داشته است.

۲-۲-۲. انتساب به نبوت: برخی از غالیان با تمسک به تفکر باطل الوهیت ائمه علیهم‌السلام، به جهت بهره‌گیری از امکانات دنیوی و رسیدن به مطامع مادی، برای خود نیز جایگاه و منزلتی قائل شده و خود را پیامبر یا امام علیهم‌السلام منصوب از طرف آنان معرفی می‌کردند؛ و با این کار اموال مردم را به تاراج برده و ساده لوحان و جاهلان را به گمراهی می‌کشاندند. امام حسن عسکری علیه‌السلام درباره برخی از این افراد چنین می‌فرماید: «مُسْتَأْتَلِينَ يَا كَلَانَ بِنَا النَّاسِ فَتَنَانِينَ مُؤَذِّبِينَ... يَزْعَمُ ابْنُ بَابَا أُنَى بَعَثْتُهُ نَبِيًّا؛ این دو حيله‌گر موذی با مطرح کردن نام ما، اموال مردم را به باطل می‌خورند؛ ابن بابا به خیال خود تصور می‌کند که من او را به عنوان پیامبر برانگیخته‌ام» (عسکری، ۱۴۱۲ق: ص ۳۲۳).

بنابراین می‌توان ضعف عقول و چیرگی جهل بر افراد ساده لوح را از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری این طرز تفکر دانست. آنان بر این باور غلط معتقد بودند که معجزه می‌بایست فقط توسط پیامبر و نه شخص دیگر صورت پذیرد؛ بنابراین خود را امام یا پیامبر از طرف آنان معرفی می‌کردند (خویی، ۱۴۰۸ق: ص ۲۶۵). امام صادق علیه‌السلام در حدیثی از این گروه بی‌زاری جسته و می‌فرماید: «أَنَا أُبْرَأُ مِمَّا قَالَ إِنْ أَنْبِيَاءُ؛ مَنْ مِنْكُمْ مَنْ قَالَ بِنَا أَنْبِيَاءُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. وَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛ لعن و نفرین پروردگار بر کسی باد که ما را پیامبر بداند و نیز بر هر آن کس که در این گفتار شک کند» (همان، ص ۲۶۷).

۲-۳-۲. علم غیب مطلق و ذاتی امام علیهم‌السلام: از دیگر باورهای باطل افرط‌گرایان و غلات؛ آن بود که علم غیب امام را مطلق و ذاتی می‌دانستند که در مقابل پیشوایان معصوم علیهم‌السلام صراحتاً و به‌طور آشکار، با چنین اندیشه‌ای به شدت برخورد کرده و گاه برای روشن شدن این حقیقت، به تبیین موضوع و شناساندن معنای واقعی امامت و ویژگی‌ها منحصر به فرد آن می‌پرداختند، تا در این مسیر پرخطر، در سایه توحید الهی شیعیان خود را به صراط مستقیم رهنما باشند.

بنابراین ائمه معصومین علیهم‌السلام از یک طرف مقام الوهیت و ربوبیت و علم غیب ذاتی را از خود نفی کرده و خود را بنده بی چون و چرای خداوند متعال معرفی کرده‌اند و از سویی دیگر، تلاش کرده تا اوصاف و فضایل واقعی آنان - که موهبتی از جانب پروردگار است - مورد غفلت و تجاهل و احیاناً انکار قرار نگیرد. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لَا تَرْفَعُوا الْبِنَاءَ فَوْقَ طَاقَتِهِ، اجْعَلُونَا مَخْلُوقِينَ وَ قُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ فَلَنْ تَبْلُغُوا؛ ساختمان را بیش از حد تحمل آن بالا نبرید (که باعث ویرانی آن خواهد شد) ما را آفریده پروردگار قرار دهید، آن‌گاه درباره کمالات ما، هر چه می‌خواهید بگویید و بدانید که به نهایت به آن نمی‌رسید» (راوندی، ۱۳۸۹ ش: ج ۲، ص ۶۳۷). هم‌چنین در روایت دیگری می‌فرماید: «لا تتجاوزوا بنا العبودیه، ثم قولوا ما شئتم و لئ تَبْلُغُوا؛ ما را فراتر از مرحله عبودیت ندانید؛ آن‌گاه آن چه می‌خواهید در فضل و مقام ما بگویید و البته به کنه عظمت ما نخواهید رسید» (صدوق، ۱۳۸۵ ش: ج ۲، ص ۶۱۲). امام صادق علیه‌السلام به یکی از اصحاب خود فرمود: «یا کامل! اجْعَلُوا لَنَا رَبًّا نُؤُوبٌ إِلَيْهِ وَ قُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ. وَ مَا حَرَجَ إِلَيْكُمْ مِنْ عِلْمِنَا إِلَّا أَلْفًا غَيْرَ مَعْطُوفَه؛ ای کامل! برای ما پروردگاری قرار دهید که رجوع به سوی اوست؛ آن‌گاه آن چه می‌خواهید در فضل ما بگویید. و (بدانید که) از علوم ما به شما نرسیده است مگر به اندازه حرف الف که به حرفی دیگر معطوف نگشته باشد» (صفار، ۱۴۰۴ ق: ص ۲۴۱). در حدیث دیگر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «ای علی! اگر ترس آن نبود که با ذکر فضایل تو، مردم هر آن چه را در حق مسیح بر زبان راندند در شأن تو نیز باز گویند، امروز از بزرگی و مقامت، سخنی می‌گفتم که مردم با شنیدنش، خاک پای تو و نیز اضافه آب وضویت را محض تبرک و شفا برمی‌داشتند» (همان، ص ۲۴۳). که این دسته از روایات ضمن تأیید مقام و منزلت امامت، باورهای نادرست افرط‌گرایان و غلات را نیز مردود می‌شمارد.

۲-۴. تناسخ: یکی دیگر از باورهای نادرست غلات؛ اعتقاد به تناسخ است که ریشه در این نگرش دارد که روح پس از خروج از بدن، به بدن و پیکری دیگر منتقل می‌شود. امامان معصوم علیهم‌السلام قائلین به تناسخ را در موارد متعددی کافر معرفی کرده و با دلایل و براهین روشن، بر اندیشه تناسخ خط بطلان کشانیده‌اند (حسن‌زاده‌آملی، ۱۳۸۶ ش: ج ۳، ص ۳۱۶). ائمه علیهم‌السلام با آگاهی عمیق از مسئله تناسخ و اهداف شوم غالیان با شدت با این عقیده و تفکر به مبارزه برخاسته‌اند و مردم را به برائت و دوری جستن از آن‌ها فرا می‌خواندند و آنان را کافر، ملحد، ملعون و بدترین خلق به مردم معرفی می‌کردند (مجلسی، همان، ص ۳۲۱).

۲-۵. تشبیه به خداوند: یکی دیگر از باورهای غلات، عقیده به «تشبیه» است و از دیدگاه علم کلام، شبیه دانستن خداوند به موجودات محسوس است (انصاری بویراحمادی، ۱۳۸۷ ش: ص ۱۵۴). قائلین به تشبیه، خداوند را به مخلوقاتش شبیه می‌دانند؛ در حالی که آیات و روایات

فراوانی این مدعای دروغین را رد می‌کند. امام صادق علیه‌السلام در روایتی به ذکر خصوصیات این گروه پرداخته و می‌فرماید: «چنین کسی که می‌پندارد خداوند همانند دیگران صورت و چهره دارد، مشرک شده است و کسی که برای خدا اعضایی همانند اعضا و جوارح مخلوقات قائل شود، نسبت به او کفر ورزیده است. پس شهادت او را قبول نکنید و ذبیحه او را نخورید. خداوند برتر است از آن چه تشبیه‌کنندگان او را به صفات آفریده‌هایش وصف کنند. کسی که می‌پندارد خداوند در چیزی است یا بر چیزی قرار داشته یا از چیزی به چیز دیگر منتقل می‌شود یا چیزی از او خالی می‌ماند یا چیزی به وسیله او اشغال می‌شود، در حقیقت او را با صفات مخلوقاتش توصیف نموده است؛ در حالی که خداوند آفریننده همه چیز است و با قیاس به مخلوقات نمی‌توان او را وصف کرده و به مردم شبیه دانست هیچ مکانی از او خالی نیست این است خداوندی که پروردگار ماست و خدایی جز او نیست. پس کسی که او را با این صفات اراده کند و دوست بدارد، از موحدان است. و کسی که او را با غیر این صفات دوست داشته باشد، خداوند از او بیزار است و ما نیز از او بیزار می‌جوییم» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳ش: ج ۵، ص ۲۴۱).

۲-۲-۶. تفویض: تفویض و واگذاری به این معنا که خداوند پس از خلقت، کار آفرینش و تدبیر امور بندگان و اداره امور جهان را به پیامبرگرمی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام واگذار کرده که بدون اذن و دخالت خالق هستی، به رتق و فتق امور آفرینش می‌پردازند. لازمه این اعتقاد آن است که عالم هستی از اراده و مشیت و قدرت پروردگار تهی گشته و در مقابل اراده امامان بر جهان حاکم می‌گردد. گرچه این باور غلط، ریشه در عقیده صحیح و صوابی دارد که در روایات مختلف ائمه معصوم علیهم‌السلام به تبیین و تشریح آن اشاره کرده‌اند (صدوق، همان، ص ۱۱۶). و به این معنا که در حقیقت خداوند علت اصلی و حقیقی عالم هستی است و اولیاء الاهی و پیشوایان دین، علت اعدادی و مجرای افاضه فیض الاهی به کائنات می‌باشند. از این روی، موضوع تفویض و واگذاری با گستردگی خاص خود، شامل عناوین؛ رزاقیت، امامت و تدبیر امور عالم مادی، و نیز امور اخروی چون شفاعت و جداسازی نیکان از مجرمان نیز می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱ش: ص ۲۵۶).

بنابراین باور به این امر که پیامبرگرمی و امامان علیهم‌السلام به صورت مستقل اداره کننده عالم هستی بوده و خداوند اداره‌ی امور عالم را به آن‌ها واگذار کرده، اعتقادی ناصواب است و اگر در روایاتی هم به این حقیقت اشاره شده مراد آن است که دخل و تصرفی در طبیعت و کائنات ممکن نیست، مگر به اذن و اجازه خداوند متعال، به این معنا که آن‌ها از خدا می‌خواهند و پروردگار خواسته‌هایشان را اجابت می‌کند تا بدین وسبب بزرگی و شأن و عظمت آن‌ها بر خلائق آشکار گردد (رضازاده عسکری، ۱۳۹۰ش: ص ۸۵).

۲-۳. روش امامان علیهم‌السلام در مواجهه با پدیده غلو

۲-۳-۱. **نصیحت و راهنمایی:** روش و سیره امامان علیهم‌السلام در برخورد با غلات، بر مبانی و اصولی استوار است که می‌تواند الگوی مناسبی برای شیعیان در مواجهه با افراطگرایی قرار گیرد. حضرات معصومین علیهم‌السلام در ابتدای امر به آگاهی بخشی اشتباه افکار غالیان می‌پرداختند، تا بلکه آنان را متوجه انحراف‌شان کنند. در روایاتی امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «ما را آن‌گونه که اسلام فرموده، دوست داشته باشید و بیش‌تر از حدمان ما را بالا نبرید» (بغدادی، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ص ۲۱۴). و نیز در جایی دیگر فرمود: «ما را به نحو دوست داشتن اسلامی، دوست داشته باشید و نه دوست داشتن بت‌ها» (کلینی، ۱۳۸۴ش: ج ۳، ص ۲۱۵).

بنابراین امامان علیهم‌السلام در مرحله نخست با گفتار نرم و نصیحت مشفقانه درصدد برآمدند که غالیان را تا حد امکان از اعتقاد و عملکرد خویش پشیمان کنند تا راه صلاح و رستگاری را در پیش گیرند. امامان علیهم‌السلام این وظیفه ارشادی را از طریق مناظره و گفت‌وگو با غلات و اصلاح باوره‌های آنان صورت می‌دادند به‌عنوان نمونه، امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به مدعیان الوهیت امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «أَوَلَيْسَ كَانَ عَلَى الْكَلْبِ فِي الْكَلْبِ وَ شَارِبِ فِي الشَّارِبِ وَ نَاكِحِ فِي النَّكَحِ؟ وَ كَانَ مَعَ ذَلِكَ مُصْلِيًا خَاصًّا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ دَلِيلًا وَ إِلَيْهِ أَوَاهَا مُنْبِئًا. أَفَمَنْ كَانَتْ هَذِهِ صِفَتُهُ يَكُونُ إِلَهًا؟ أَيَا عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَانَد سَائِر مَرْدَمِ نَمِي خُورْد وَ نَمِي نُوشِيْد وَ نَكَاحِ نَمِي كَرْد؟ دَر عِيْنِ حَالِ دَر پِيْشِ گَاهِ خُداوْنْد، نَمَازْگَرَا، خَاضِعِ وَ فَرُوْتِنِ بُوْد وَ بَه دَرگَاهِ خُداوْنْد نَالِه وَ اَنَابَه مِي كَرْد. أَيَا كَسِي كِه اِيْن چِنِيْن صِفَاتِي دَارْد مِي تُوَانْد خُدا بَاشْد؟» (همان، ص ۲۱۸).

هم‌چنین امام صادق علیه‌السلام در گفت‌وگوی با سدیر صیرفی، برای بازشناسی چهره واقعی امام و پرهیز از غلو و مبالغه‌گویی، در معرفی خود می‌فرماید: «ما خزانه داران علم خداوند و مترجمان و بازگوکننده امر خداییم. ما گروهی معصوم هستیم که خداوند تبارک و تعالی به اطاعت از ما فرمان داده و از معصیت و نافرمانی ما نهی نموده است. ما حجت‌رسانی خداوند بر تمام کسانی هستیم که در زیر آسمان و بر روی زمین‌اند» (طبرسی، همان، ج ۲، ص ۴۹۳).

۲-۳-۲. بازشناسی چهره غلات و منع شیعیان از مجالست و شنیدن سخنان آن‌ها:

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در خاموش کردن فتنه آشوب‌گرانه غلات، علاوه بر اتخاذ شیوه نصیحت و ارشادی، روش‌های دیگری را به‌کار گرفته‌اند که از جمله آن‌ها بازشناسی چهره واقعی غالیان است تا بدین‌وسیله از تأثیرگذاری عقاید غالیان بر روی باور شیعیان جلوگیری کنند. از این‌رو همواره از انحرافات آنان برائت‌جسته و شیعه را به‌گونه‌ای معرفی می‌نمودند که غلات و افراط‌گرایان خارج از تشیع به‌شمار آیند. در این رابطه امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «شیعیان ما اهل پرهیزکاری، تلاش، وفا،

امانت‌داری، زهد، عبادت، به‌جا‌آوردن‌گان پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز، شب زنده داران و روزه داران هستند، زکات اموال‌شان را می‌دهند و به حج خانه خدا می‌روند و از هر حرامی دوری می‌نمایند» (صدوق، همان، ص ۱۶۳).

و نیز فرمود: «شیعه ما کسی است که از ما پیروی کند و از آثار ما تبعیت نماید و به اعمال ما اقتدا کند» (مجلسی، همان، ج ۶۷، ص ۱۵۴). امام صادق علیه‌السلام در ضمن نامه‌ای به ابوالخطاب از - رؤسای گالیان - می‌فرماید: «شنیده‌ام که گفته‌ای زنا، خمر، نماز، روزه، فواحش، مردانی به این نام‌ها هستند. این‌گونه نیست که تو می‌گویی، ما اصل حق بوده و فروع حق طاعت خداست، دشمنان ما اصل شر، و فروع آن‌ها همان فواحش و زشتی‌هاست» (شیخ طوسی، همان، ج ۲، ص ۵۷۷). در جای دیگر نیز به گالیان می‌فرماید: «به درگاه باری تعالی توبه کنید که شما فاسق، کافر و مشرک هستید» (همان، ص ۵۷۸). هم‌چنین یکی از اصحاب خدمت امام صادق علیه‌السلام رسید و گفت: جانم به فدایت، شیعیان شما درباره شما اختلاف کرده‌اند. بعضی اظهار می‌کنند که در گوش شما سخن گفته می‌شود؛ بعضی می‌گویند به شما وحی می‌شود؛ بعضی می‌گویند به قلب شما الهام می‌شود؛ بعضی می‌گویند در خواب می‌بینید، بعضی می‌گویند با کتاب‌های پدران خویش فتوی می‌دهید. کدام‌یک را باید پذیرفت؟ امام فرمود: «آن‌چه را که گفته شده رها کن، ما حجت خداوند و امین او بر خلق هستیم، حرام و حلال ما از کتاب خداوند است» (حرانی، ۱۳۹۳ش: ص ۵۱۴).

۲-۳-۳. **اظهار برائت و لعن و نفرین غلات:** روش دیگر ائمه اطهار علیهم‌السلام در تعدیل افراط‌گرایی غلات، نهی و برحذر داشتن شیعیان از مجالست با آنان است به‌گونه‌ای که هم‌نشینان با گروه گالیان را مورد لعن و تکفیر می‌دادند در این رابطه امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «خدا لعنت کند کسی را که در مورد ما چیزی می‌گوید که خود ما درباره خودمان، آن‌گونه اعتقادی نداریم، خدا لعنت کند کسی را که ما را از عبودیت و بندگی خدایی که ما را آفریده و برگشت ما به سوی اوست و ... زایل کند» (همان، ص ۵۲۱). امام صادق علیه‌السلام خطاب به شخصی از غلات بشار شعیری می‌فرماید: «از نزد من بیرون برو که خداوند تو را لعنت کند. سوگند به خدا که هرگز سقف خانه‌ای بر سر من و تو سایه نخواهد افکند» (همان).

۲-۳-۴. **انذار و وعید گالیان:** یکی دیگر از راهکارهای بازدارنده، در برخورد با فتنه غلات؛ آگاهی دادن از عواقب سوء گناه غلات توسط امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشد. حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در کلام خود خطاب به امام علی علیه‌السلام چنین می‌فرماید: «ای علی! حواریون عیسی را تصدیق و یهودیان وی را تکذیب کردند. برخی نیز در شأن وی راه مبالغه و افراط و زیاده‌گویی را در پیش گرفتند. تو نیز هم چون مسیح خواهی بود که شیعیان تو را تأیید خواهند کرد، رشک‌کنندگان

در مقام والایت، جایگاه بی‌بدیل تو را انکار کرده و آن را دروغ خواهند پنداشت و گروهی دیگر نیز به مبالغه‌گویی در شأن تو روی خواهند آورد. پس بدان که جایگاه غلوکنندگان در آتش خواهد بود» (مجلسی، همان، ص ۲۶۴). حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز در کلامی رسا چنین فرموده‌اند: «هر کس امیرالمؤمنین علیه السلام را از حد بندگی بالاتر برد، از کسانی است که مورد غضب الاهی قرار خواهد گرفت و در زمره گمراهان داخل خواهد گشت» (همان، ص ۲۷۴).

۲-۳-۵. **دستور مبارزه و قتل غالیان:** امامان علیهم السلام با ارشاد و تصحیح عقاید باطل غلات و در نهایت، اظهار برائت و بی‌زاری، لعن و نفرین، پرهیز از مجالست با آن‌ها، حجت را بر آنان تمام نمودند، اما آن‌گاه که تندروی‌های غلات غیر قابل تحمل شده و نفوذ اعتقادات باطل آن‌ها دین و دیانت را به خطر می‌انداخت حتی فرمان کشتن برخی از غلات و آسیب‌رسانی به آن‌ها را نیز صادر می‌کردند. فارس بن حاتم، از جمله این غالیانی است که امام حسن عسکری علیه السلام با مشاهده بدعت‌های فراوان از وی، ریختن خونش را مباح دانسته و فرمود: «هر کس که مرا از دست او راحت کند و وی را بکشد، من بهشت را برایش تضمین خواهم نمود» (طوسی، همان، ص ۳۲۵). در برخی از روایات به آسیب‌رساندن به غلات اشاره شده است. ابو محمد امام حسن عسکری علیه السلام در نامه‌ای خطاب به برخی از یاران خود چنین می‌گوید: «بر شما باد که از غلات دوری کنید. لعنت خداوند بر آن‌ها باد! اگر هر یک از آن‌ها را یافتید، سرش را با سنگ نشانه روید» (همان، ص ۲۳۷).

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس آن چه بیان شد می‌توان گفت افراط و مبالغه جاهلانه در معرفی امامان معصوم علیهم السلام از جمله چالش‌های مهم پیش روی تشیع است که ریشه در باورهای غیر توحیدی دارد و آمیخته شدن تدریجی آن با برخی دیدگاه‌های کاذب سبب شکل‌گیری باورهای غیر عقلایی غالیانه نسبت به اولیای دین شده است. این جریان که در ابتدا به صورت گروه‌های اندک شکل گرفت، در مدت کم‌تر از یک سده به فرقه‌های منسجم با باورها قوی و کادر رهبری مشخص تغییر شکل داد. با این اوصاف باید گفت غلات و پدیده غلو در اعتقادات دینی با هر قصد و نیتی که باشد به علت این‌که سبب فساد در دین و به‌وجود آمدن بدعت می‌شود امری ناپسند و مذموم است و در صورت عدم مقابله با آن می‌تواند به مرور زمان انحرافات فراوانی را حتی در اعمال و مناسک دینی به‌وجود آورد، از همین رو امامان معصوم علیهم السلام با برخورد‌های بدون اغماض و به شیوه امر به معروف و نهی از منکر و متناسب با سبک و سیاق غلات و هدف و نیت آنان و هم‌چنین آگاهانه یا ناآگاهانه بودن غلو آن‌ها شیوه‌های متفاوتی را در برخورد با آن‌ها در نظر گرفته‌اند.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، تعلیق علی شیری، نشر دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.
۳. اردبیلی، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، *جامع الرواه وازاحه الاشتباهات عن الطرق والاسناد*، نشر دارالاضواء. بیروت.
۴. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، (۱۳۸۹ش)، *مقالات الاسلامیین*، مترجم: محسن، مویدی، نشر امیرکبیر، تهران.
۵. انصاری بویراحمدی، علی، (۱۳۸۷ش)، *غلو از دیدگاه تشیع*، نشر آشیانه مهر، قم.
۶. ابن مغزلی، علی بن محمد، (۱۴۲۴ق)، *مناقب الامام علی بن ابی طالب*، نشر دارالاضواء، بیروت.
۷. اعلمی حائری، محمد حسین، (۱۴۱۱ق)، *دائرة المعارف الشیعه العامه*، نشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۸. بغدادی، محمد بن سعد، (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد بن عبدالقادر، عطا، نشر دار الکتب العلمیه، بیروت.
۹. حرانی، ابن شعبه، (۱۳۹۳ش)، *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم*، نشر آل علی علیه السلام، قم.
۱۰. حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۶ش)، *شرح منظومه حکمت ملاهادی سبزواری*، نشر ناب، تهران.
۱۱. جعفریان، رسول، (۱۳۸۶ش)، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری*، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
۱۲. خویی، سید ابو القاسم، (۱۴۰۸ق)، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه*، مرکز نشر آثار الشیعه، قم.
۱۳. درگاهی، حسین، (۱۳۷۱ش)، *ترجمه تصحیح اعتقادات الامامیه*، نشر ناب، تهران.
۱۴. راوندی، قطب الدین، (۱۳۸۹ش)، *الخرائج و الجرائح*، مترجم: غلامحسین محرمی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۵. رضا زاده عسکری، زهرا، (۱۳۹۰ش)، *نقش غلات در تخریب چهره شیعه*، مجله تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی.
۱۶. زبیدی، مرتضی، (۱۴۰۸ق)، *تاج العروس*، محقق علی شیری، نشر دار الفکر، بیروت.
۱۷. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، تحقیق: میرزا حسن کوچه باغی، نشر منشورات الاعلمی، تهران.
۱۸. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵ش)، *عیون اخبار الرضا*، تصحیح: مهدی، لاجوردی، نشر آل

- البيت، قم.
۱۹. صفری فروشانی، نعمت الله، (۱۳۸۷ش)، *غالیان کاوشی در جریانها و برآیندها تا پایان سده سوم*، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۷ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مترجم سید محمد باقر، موسوی، نشر امیر کبیر، تهران.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، نشر الاعلمی، بیروت.
۲۲. طوسی، ابوجعفر محمد، (۱۴۰۴ق)، *اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی آل البيت*، نشر مطلعہ بعثت، قم.
۲۳. عسکری، سید مرتضی، (۱۴۱۲ق)، *عبدالله بن سبأ واساطیر آخری*، نشر المطبعه الاسلامیه، تهران.
۲۴. فیاض، عبدالله، (۱۴۰۶ق)، *تاریخ الامامیه و اسلافهم من الشیعہ*، نشر الاعلمی، بیروت.
۲۵. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۸۴ش)، *الکافی*، مصحح علی اکبر، غفاری، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، نشر المطبعه الوفاء، بیروت.
۲۷. مشکور، محمد جواد، (۱۳۷۲ش)، *تاریخ شیعہ و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم*، نشر اشراقی، تهران.
۲۸. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، نشر مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم.
۲۹. مفید، محمد بن محمد، (۱۳۷۱ش)، *الاعتقادات*، محقق: عصام، عبدالسید، کنکره بین المللی هزاره شیخ مفید رحمته الله علیه، تهران.
۳۰. مدرسی طباطبایی، حسین، (۱۳۸۸ش)، *مکتب در قرآیند تکامل*، ترجمه: هاشم، ایزدپناه، نشر کویر، تهران.
۳۱. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۹۳ش)، *میزان الحکمه*، نشر دارالحديث، قم.
۳۲. موسوی بجنوردی، سید کاظم، (۱۳۸۱ش)، *دائره المعارف بزرگ اسلامی*، نشر مرکز دائره المعارف، تهران.